

اعضای نشریه تسنیم	مدیرمسئول	ساجده آرش
	سرمدبیر	محمد حسین حبیبی
	جانشین سردبیر	حنانه جلال
	صفحه آراء	ملیکا سادات سنجرى
	ویراستار	نیما آذرى
	تیم تحریریه	آقای حبیبی- خانم جوادى آقای رحیمی- خانم فریدی



# تسنیم

دانشجویان عزیز، لطفاً برای ارسال پیشنهادات و انتقادات خود ناظر بر نشریه تسنیم با شماره زیر ارتباط بگیرید:

۰۹۲۱۴۱۳۳۲۴۷

[نشریه شماره ۲۲۷]

۱۲ خرداد ۱۴۰۳



در این شماره میخوانیم:

۱ نهضت زنده است.

۲ تا وقتی قلیون هست، چرا سیگار؟!

۳ سید محرومان

۴ دوپارگی ملی



درستون ها میخوانیم:

۲ معرفی کتاب: سه دیدار

۴ Dibi news



در Dibi news

می پردازیم به:



آب سرد کن ها؟!

اینترنت پر سرعت؟!

سلف جا داره؟!



“ انگار که امام از همان روزها داشت این نهضت را عادت می داد که به اصول پایبند باشند و به اشخاص دل نبندند و با رفت و آمد چند خدمتگذار مسیر خود را گم نکنند. سید می گفت خون شهید معجزه می کند، بنیان ظالم را آتش می زند، هر قطره خون شهید رویشی دارد و اسلام را رو به جلو حرکت می دهد، خون شهید نهضت را زنده نگه می دارد. نه آن روز که رجایی و بهشتی ترور شدند انقلاب متوقف شد و نه امروز که رئیس جمهور به شهادت رسید. آن روز خون شهدای ترور باعث گشایش های بعدی نظیر قدرتمندتر شدن حکومت مرکزی، آزادسازی خرمشهر شد و امروز خون شهدای خدمت جریان تازه ای در رگ های انقلاب ۴۵ ساله ایجاد می کند. از یادمان نرفته امروز بعد از گذشت بیش از چهار سال از شهادت حاج قاسم، جبهه مقاومت قدرتمندتر در منطقه ظاهر شده، دیگر اثری از حکومت مرکزی داعش نیست و ابتکار عمل در دست طراحان «طوفان الاقصی» می باشد و اسرائیل در منزوی ترین حالت خودش در طول ۷۰ ساله حیات رژیم جعلی اش می باشد. نهضت خمینی روزبه روز محکم تر و قوی تر و گسترده تر می شود و این حرکت تا آنجایی ادامه دارد که همه پاکان جهان ما را بشناسند و به جبهه مقاومت پیوندند، ما در راه اسلام از شهادت نور چشمی هایمان ترسی نداریم، انقلاب خمینی هنوز جان بر کف دارد و شهید می دهد و خون این شهداست که اسلام و انقلاب را بیمه کرده است. **نهضت زنده است؛** چرا که هنوز شهید می دهد.



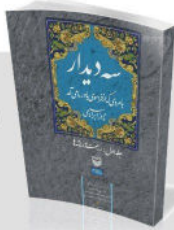
## نهضت هنوز زنده است؛

محمد حسین حبیبی

روزهای انتهایی تابستان شصت، انقلاب اسلامی هنوز سه سالگی خود را جشن نگرفته بود. در کمتر از ۶۰ روز، رئیس قوای مجریه و قضائیه با تعداد کثیری از نمایندگان مجلس و کابینه دولت ترور شده بودند. صدام خرمشهر را چند وقتی می شد که اشغال کرده بود و شهر به شهر به سمت تهران حرکت می کرد. صدای نفس های خسته و نگران شهر به گوش همه می رسید. امید نایاب ترین چیزی بود که در پس کوچه های شهرهای ایران پیدا می شد. در حسینیه جماران اما اوضاع فرق می کرد، پیرمردی که جز خدا از کسی واهمه نداشت در دیدار با جمعی از مردم گفت: “کشوری از رفتن شخصیت های خود تزلزل پیدا می کند که ملت او و افراد آن ملت دل به شخص بسته باشند، دل به اشخاص بسته باشند. اما کشوری که دل او به خدا پیوسته است و برای خدا قیام کرده است و از اول، «نه شرقی و نه غربی و جمهوری اسلامی» را ندا داده است این نهضت را و این انقلاب را پیا کرده اند، همین ملت هستند؛ برای اینکه خدا هست. رجایی و دیگران اگر نیستند، خدا هست.



معرفی کتاب  
سه دیدار



کتاب سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می آمد؛ جلد اول نوشته نادر ابراهیمی نویسنده سرشناس معاصر است. او در مجموعه سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می آمد، زندگی و ابعاد مختلف شخصیتی رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) را بررسی کرده است. کتاب حاضر جلد اول مجموعه سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می آمد، با نام «رجعت به ریشه‌ها» است که داستان بلندی درباره زندگی و دوران کودکی و رشد امام خمینی است. ابراهیمی کوشیده در لابه‌لای اثر، مراحل شکل‌گیری شخصیت امام را در دوران کودکی و جوانی بررسی کند.

فصل اول کتاب با نام «نخستین دیدار»، به نوعی پیش‌درآمد داستان است. «دیدار دوم: ذرات خاطره در هوا معلق نخواهد ماند» فصل بعدی کتاب است که ابراهیمی طی آن، برش‌هایی از کودکی‌های امام را روایت میکند. «دیدار سوم: این شیخ را نگین کنید!» ماجرای دیدار امام است با آیت‌الله مدرس. ابراهیمی در فصل چهارم دیداری رویا گونه را شرح میدهد که بین یک پیر و مریدش روی میدهد.

عروقی، اختلالات در دفع ادرار و عملکرد کلیه‌ها تلف شوید.

یا شاید سوالی در ذهنتان خطور کند که «تا وقتی که کلیان هست؛ چرا سیگار؟» ولی این را بدانید که هر یک ساعت استفاده از کلیان، فرد استعمال کننده به میزان ۱۰۰ الی ۲۰۰ برابر حجم دود یک نخ سیگار دود وارد ریه‌های خود و اطرافیان می‌کند.

در نوجوانان و جوانان، آمار استفاده از دخانیات سال‌به‌سال بالا می‌رود، می‌شود علتش را جویا شد، زمانی که بازیگران محبوب مردم، با لباس‌های گران قیمت، خودروها و خانه‌های لوکس در سریال‌های نمایش‌خانگی و یا حتی فیلم و سریال‌های تلویزیون، سیگار کشیدن یک عادت جذاب و سالم به شمار می‌رود، زمانی که در اکثر صحنه‌ها و سکانس‌ها سیگار کشیدن تبلیغ و ذائقه سازی می‌شود، چرا نباید انتظار نداشت که شاهد استفاده دخانیات در سنین پایین بین ۱۳ تا ۱۵ سال نوجوانان نباشیم؟! یا حتی در دانشگاه شاهد، سمت پارکینگ و دانشکده فنی، پشت سرویس‌های بهداشتی و خارج از سالن مهدیه، وقتی فضایی ساکت، آرام، خلوت و دنج است؛ چرا مکانی برای سیگار کشیدن دانشجویان نباشد؟! بنده می‌دانم، می‌دانم که سیگار جزو تقریحات شما است و شما خود را سیگاری نمی‌دانید؛

ولی اگر می‌خواهید زمان خواستگاری رفتن، بیماری پوستی و کچلی نداشته باشید تا به شما دختر بدهند!

یا زمان استخدام در کاری که آرزویش را داشته‌اید، که از شما آزمایش نیکوتین خون و تشخیص مصرف دخانیات می‌گیرند! یا حتی زمانی که صاحب فرزند می‌شوید و می‌خواهید آسیب جسمی، روحی و روانی به او منتقل نشود، و همچنین الگویی مناسب برای او باشید.

حتماً، حتماً!

این تفریح آسیب‌زا را ادامه ندهید.

تا وقتی قلیون هست؛ چرا سیگار؟

فاطمه فریدی

روز جهانی "بدون دخانیات" که ۳۱ ماه می، به این عنوان نام‌گذاری شده است و در سال ۱۴۰۳ مصادف می‌شود با ۱۱ خرداد، روزی که مردم سراسر جهان، خواستار عدم مصرف سیگار و همچنین هم‌خانواده‌های آن و هر نوع دخانیات از جمله تنباکو، تریاک و... در یک بازه ۲۴ ساعته هستند. طبق آمارهای بیمناک که توسط «سازمان بهداشت جهانی» و «مؤسسه سنجش و ارزیابی سلامت» منتشر می‌شود، سالانه ۸ میلیون مرگ و میر در سال نتیجه استفاده از دخانیات است و بیش از ۸۰۰ هزار نفر فقط از طریق استنشاق ناخواسته دود سیگار به روش غیرمستقیم جان خود را از دست می‌دهند.

خواننده‌گرامی!

متوجه نکته موضوع شدید؟!!

یعنی همان صحبت و بحث مسخره همیشگی؛ زندگی خودم است، به خودم مربوط است...

پای مرگ ۸۰۰ هزار انسان را به میان آورده است. و همچنین تأثیرات مضر مصرف دخانیات از سرطان تا بیماری‌های تنفسی مزمن و بیماری‌های لاعلاج پوستی، ضربه‌ای جبران ناپذیر به جامعه و هسته اصلی جامعه، بنیاد «خانواده» وارد کرده است.

شاید از دوستان ناباب! توصیه‌هایی جهت مصرف دخانیات به شما بشود، اینک نویسنده می‌خواهد به شما توصیه‌ای درگوشی کند؛ که اگر ذره‌ای از آن هم خانواده‌های دخانیات را در چای ریخته، حل کرده و خورده شود، مشکل و مانعی ندارد، فقط شاید به دلیل مشکلات گوارشی، آسیب‌های قلبی و





در تاریکی شب تمام چشم‌ها به دنبال بودند در حالی که پرده اشک حجاب دیدن شده بود و ذکر « اَمَّنْ يُجِيبُ... » بر زبان‌ها جاری بود. هرچه تلاش بیشتر نتیجه کمتر بود تا اینکه پیکر سوخته‌ات چون رفیق شهیدت، سردار دل‌ها با همان انگشتی هدیه‌ی ولی نعمتان در میان سنگلاخ‌ها پیدا شد.

ما پیکر سلامت را می‌خواستیم نه بی‌جانت را... مگر می‌توان چون شما بر مسند ریاست‌جمهوری این آب و خاک ابراهیمی دیگر نشانند؟ شبی که گذشت دعا کردیم چون آتشی که بر ابراهیم گلستان شد، عیدی ما سلامتی شما باشد ولی گویا خواسته شما قوی‌تر بود که بروی شاید بتوانی اندکی استراحت کنی...

**هشتمین رئیس‌جمهور ایران بود و روز میلاد هشتمین دردانه‌ی رسول‌الله در آغوش آرام گرفت.**

جز آنکه قلبت پایگاه محکم محبت لایزال احدی باشد. ما نسلی هستیم که از «شهید رجایی» فقط قصه‌های بسیار شنیده‌ایم اما رئیس آمد تا صفحات زندگی رجایی را بار دیگر برای ما ترسیم کند. آن روزی که در سازمان ملل قرآن را در برابر دیدگان دوست و دشمن بوسید و آن را عزت دین‌اسلام و مؤمنان دانست، افتخاری شد برای مُلکِ ایران‌زمین و قصه نشان‌دادن کف پای رجایی در آن غربت‌کده برایمان زنده شد. آنقدر شیفته‌ی خدمت به مردم بود که در روزهای هلهله و شادی میلاد شاه‌خراسان به جای آنکه در جوار اربابش خستگی ایام به در کند راهی جنگل‌های صعب‌العبور ورزقان شد. در دورترین نقطه‌ی مرزی، وقتی دستان زبر و خشن پیرمرد روستایی را در دست گرفت قلبش آزرده شد. می‌توانست تا آرام شدن هوا صبر کند اما کارهای نیمه تمامش این اجازه را از او گرفت و دل به آسمانی سپرد که غرش‌هایش مانع از شنیدن صدای انفجار بالگردش شد و چه تلخ است اینگونه غریب در میان سنگ‌ها مدفون شدن.

## سید محرومان

مهشید جوادی

**ابراهیم بود، از ساله‌ی پاک پیامبر**

**ابراهیم بود، از تبار بت‌شکنان**

آمده بود تا تمام سیاهی‌ها را درهم شکند و همچون جدش سفیر مهر باشد و صلح و آرامش. سید محرومان بود و انیس بی‌پناهان، برایش غنی و فقیر برتری نداشت. اهل دل بود و از کوجه‌های مهربانی عطر انسانیت را به ارمغان آورده بود. رئیسی بود ولی هرگز رئیس نبود و برایش میز ریاست معنا نداشت. تنها دلخوشی‌اش تلاش برای آرامش مردم بود. خستگی برایش غریبه بود و حتی لحظاتی که چشمانش را روی هم می‌گذاشت. حتما در فکر پیدا کردن راه حلی برای مشکلی بوده است. آرامش خود را درگیر آرامش و امنیت مردم می‌دانست و هیچ ترس و وا همه‌ای از هیچ‌کس نداشت و صریح و قاطع سخنان خود را بیان می‌کرد حتی اگر باب سلیقه آنانی که مسیر خدمت را اشتباه می‌روند، نبود. برای او مختصات خوشی تمام دنیا لبخند نگاه مردمش بود.

آمده بود تا سفره مردم را از نگاه‌های شرمنده‌ی مادر و دستان خالی پدر پاک کند. آمده بود تا از نگاه‌های در مانده‌ی فرزندان کار غبار خستگی و بی‌کسی پاک کند. آمده بود تا خادم مردم باشد و از همان روزهای اول خود را خدمتگزار مردم می‌دانست حتی برای آنانی که راه و مرامش را قبول نداشتند. همیشه زندگی‌اش را مرهون «امام رضا (ع)» می‌دانست و تنها مشکل گشای سختی‌ها را توسل به اولیای پاک خدا می‌دانست. از همان روزهای اول که لباس خدمت به مردم به تن کرد، طعنه‌ها و نامهربانی‌ها آغاز شد، اما سکوت کرد از پای میز مناظره تا کلیپ‌ها و حجمه‌هایی که برایش ساختند و پاسخش تنها یک جمله‌ی کوتاه بود؛ اگر مردم با این چیزها می‌خندند بگذارید شاد باشند. مگر می‌توان این همه بزرگ بود و صبور؛





### Dibi news

خبر رسیده است که در روزهای شلوغ هفته، در سلف بانوان هیچ کمبود جایی برای نشستن در پشت میز و صندلی‌ها وجود ندارد، و اصلاً نیازی نیست مدتی دانشجویان سر پا بایستند، تا جایی برای نشستن و غذا خوردن پیدا شود.

دانشجویان به حدی از سرعت و کیفیت اینترنت دانشگاه راضی هستند که اذعان دارند در گنج خود نمی‌پوستند. یکی از دانشجویان (نام دانشجو در حال دانلود می‌باشد، به محض بارگیری به گزارش اضافه می‌شود): "خدا به زندگی مسئولین دانشگاه خیر و برکت دهد، ما به تازگی گل جهانبخش روی پناهی کنعانی‌زادگان را در بازی با ژاپن مشاهده کردیم؛ خدا شاهده به حدی حالمان خوب است که گل‌های طولانی سوپاسا که دو ایزود طول می‌کشید هم نمی‌توانست حال ما را تا این اندازه خوب کند."

بعضی از آب سرد کن‌های دانشکده‌ها، با توجه به اسمی روی آن‌ها است، بسیار سرد سرد است.

افکار عمومی پاسخگو نمی‌داند. این وضعیت به سبب انباشت پرسش‌های بی‌پاسخ مانده و دلخوری حاصل از «نیست انگاری» بخشی از مردم، رفته رفته آن‌ها را به این سمت کشاند که خود را از حاکمیت جدا کنند و دیگر حاکمیت را امری ملی و «برای خود» تعریف نکنند. با دیگری‌سازی خود از حاکمیت، عناصر ملی را که اکنون حاکمیتی تلقی می‌شوند، از هویت خود بزدایند. این تلقی رفته رفته به ماشین دیگری‌سازی تبدیل می‌شود که در انتها برای نابودی دیگری خود که همان حاکمیت باشد، از احتمال حمله‌ی موشکی به خاک سرزمینش اظهار وجد و شادمانی می‌کند. این وضعیت ما را با بحران مواجه کرده است به طوری که در سپهر گفتمانی کشور تعداد انگشت شماری نماد مانده است که می‌توانیم روی آن اجماع ملی داشته باشیم. حتی دیگر نمی‌توانیم درگذشت رئیس جمهور را امری ملی بدانیم. این یعنی اوضاع وحدت ملی به حدی بحرانی است که جایگاه ریاست جمهوری که سالها برای به دست آوردنش علیه اسب‌تداد جنگیدیم و جزء دستاوردهای مسلم ملت ایران است به بوته‌ی فراموشی سپرده شده درحالی که می‌شد این مفاهیم و ارزش‌ها را طوری حفظ کرد که همه‌ی اقشار مردم با هر سلیقه‌ای و تفکری آن‌ها را از آن خودشان بدانند و هم‌زبان و همدل از آن پاسداری کنند.

سرسپردگان به براندازان خارج نشین نسبت دهیم. کنش‌ها همه‌جا دیده می‌شوند. گاهی در گروه‌های خانوادگی چشمه‌هایی از آن را می‌بینیم، گاهی درصاف نان یا در تاکسی. خلاصه که اگرچه می‌دانیم تهاجم رسانه‌ای دشمنان به این دوپارگی دامن می‌زند اما مگس روی زخم می‌نشیند و این زخم‌ها از آن ماست. از آن ملت ایران. مسئله‌ی دوپاره‌سازی و بحران وحدت ملی از هزاران جهت قابل تحلیل است که شایسته است سال‌ها درباره‌ی آن پژوهش شود و هزاران صفحه کتاب و مقاله نوشته شود. اما اشکالی که بیش از هر چیز دیگری در چشم‌ها نمایان می‌شود، سوء مدیریت افکار عمومی است که نه تنها در همه‌ی سازمان‌های رسانه‌ای-تبلیغاتی حاکمیتی قابل مشاهده است، بلکه بی‌توجهی به حساسیت‌ها و دغدغه‌های عمومی و در همه‌ی نهادها رسوخ کرده و دیگر هیچ شخص و نهادی خودش را نسبت به

### دوپارگی ملی

آقای رجبی

با اینکه تشیع پیکر شهدای خدمت با حضور پر شور مردم در شهرهای مختلف برگزار شد و موجی از حس انسجام ملی کشور را فراگرفت اما در همان زمان در گوشه و کنار زمزمه‌هایی به گوش می‌رسید که دلگرمی حاصل از این حضور را به دلسردی گرایش می‌داد. این بار اول نیست که این زمزمه‌ها دوپارگی ملی را برابمان تصویر می‌کند، چندی پس از عملیات طوفان الاقصی چنین زمزمه‌هایی اینچنینی برخاست. حتی حمایت از مردم فلسطین که کنشی انسانی و جهان‌شمول است به محلی برای مناقشه تبدیل شد. نه فقط در این چند مورد بلکه در هر فعالیتی که برگزاری و تبلیغ آن به دولت منتسب باشد-فارغ از اینکه خاستگاه و انگیزه‌ی آن فعالیت چه بوده- این فضای دوپاره‌سازی شکل می‌گیرد. سرمنشا فضاهای دوپاره‌سازی کجاست؟ ساده انگاری است اگر این صداها را تنها به هیاهوهای مجازی یا

